

WALT DISNEY STUDIOS PRESENTS  
A GILBERT BRUNO FILM  
SPIRITED AWAY

دوشنبه ۵ اسفند ماه

فستیوال بین المللی پویانمایی تهران ۱۳۸۱  
نشریه روزانه  
سومین جشنواره بین المللی پویانمایی تهران ۱۳۸۱

پویانمایی

- تهران پایتخت رویاهای جهان است
- پیام شخصیت‌های برجسته پویانمایی جهان
- یک شخصیت تاریخی در میان ما
- دیوارپل در یسن
- پایان تجربه
- مراسم اسکار و انیمیشن



## حرف دوم

هنر ذوق و ذکاوت می‌خواهد و توان تامل. اما ابزارهای شناسایی این کیفیت‌ها چندان دقیق نیستند. به ناچار کسانی به دانشکده‌های هنری راه می‌یابند که به ضرایب آشنا ترند هر چند ممکن است از ظرایف بی‌خبر باشند. با این همه، نمی‌توان همه کاستی‌ها را در نقص شیوه‌های راهیابی دید. این‌که چه چیزی، چگونه آموخته می‌شود و چرا همه محفوظات اندک زمانی پس از فارغ‌التحصیلی تبخیر می‌شوند، سمت دیگر این آسیب‌شناسی است.

ما اولین یا آخرین برنامه‌ریزان آموزش پویانمایی نیستیم. پی بردن به نام نهادهای آموزشی موفق که دانشجویان و آثار مطرحی را پروراندند و پدیدآورده‌اند جستجوی زیادی نمی‌خواهد. راه دشوار است ولی ناممکن نیست. نیروی انسانی، زمان و هزینه ضروریاتی است که ما نیز مثل سایرین صرف می‌کنیم اما کمتر نتیجه می‌گیریم. توقع ما اندک است یا کوشش دیگران بسیار؟

اگر می‌شود از تجارب به شیوه‌های عمیق‌تری بهره برد آیا هنگام آن فرا نرسیده است که از خود پرسیم براستی نمی‌دانیم یا نمی‌خواهیم؟



## تهران پایتخت رویاهای جهان است



عکس: تخصص سیدی

● در اولین روز برگزاری جشنواره سوم حضور چهره‌های مطرح فرهنگی و هنری در مراسم گشایش حال و هوای خاصی به جشنواره داده بود.

اسفندیار احمدیه، نورالدین زرین کلک، علی اکبر صادقی، عبدالله علیمراد، بهروز و نادر یغماییان، ابراهیم فروزش، فرشته طارپور، علیرضا شجاع نوری و مهدی سماکار از جمله هنرمندان حاضر در مراسم بودند.

● استقبال شبکه‌های تلویزیونی و خبرنگاران رسانه‌های نوشتاری جالب توجه بود. حضور خبرنگاران شبکه‌های تلویزیونی مختلف در گوشه و کنار دیده می‌شد.

● در ساعت‌های اولیه صبح حضور تنی چند از میهمانان خارجی از جمله سوزان ویلسون از اسکاتلند تهیه‌کننده فیلم بیوه‌تهاکه در بخش مسابقه بین‌الملل حضور دارد، به چشم می‌خورد.

● یکی از برنامه‌های مراسم گشایش نواختن



قطعاتی از پیانو بود. مهرداد اقتداری که سال گذشته نیز در مراسم بزرگداشت نفیسه ریاحی قطعاتی را نواخته بود یک بار دیگر حاضران را به وجد آورد.

● پخش نماهنگی که برگزاری سه دوره جشنواره را به هم پیوند می‌داد، با ضرباهنگ موزون خود توجه بسیاری را برانگیخت.

● نمایش پدر و دختر فیلم برتر جشنواره دوم پس از دو سال بار دیگر نگاه‌های بسیاری را به خود جلب کرد.

عقاید او در مورد دنیای خدایان، ارواح و طبیعت به وجود آمده است. تصور می‌کنم موسیقی یک حقیقت الهی و زبانی است ماورای کلمات و دنیای خاکی.

او در پایان افزود: "هنر موسیقی باید به گونه‌ای با تصویر همراه شود که حرف تازه‌ای بزند و قدرت تصویر را چندین برابر کند. ارکسترسیون در فیلم انیمیشن می‌تواند نقش‌های مختلفی بازی کند و در خیلی از مواقع یک ساز و نوای آن می‌تواند جانشین یک شخصیت باشد."

صبح روز یکشنبه چهارم اسفند ماه سومین دوره جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران طی مراسمی در سالن اصلی مرکز آفرینش‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز به کار کرد. در این مراسم بعد از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، متنی در خصوص فلسطین اشغالی خوانده شد و سپس فیلم بیت الجوار القدس با همین مضمون به نمایش در آمد.

در ادامه برنامه‌های مراسم گشایش سید حسین وزیر رییس جشنواره ضمن خیر مقدم به هنرمندان و دست‌اندرکاران صحبت‌های خود را این‌گونه آغاز کرد: "در قرن حاضر که دنیای ما به سرعت تغییر می‌کند و به سمت انتخاب بین بودن و نبودن پیش می‌رود، اندیشمندان و هنرمندان با بال‌های آسمانی اندیشه، خرد و هنر برای نجات انسان و گشودن پنجره‌های رستگاری در تکیه هستند تا انسان سرگشته را به سوی نور روشن‌گر باشند."

وزیری در ادامه افزود: "وقتی در آخرین سال قرن گذشته اولین دوره جشنواره پویانمایی را آغاز کردیم، آرزو داشتیم این جشنواره در افق‌های دور فضایی ایجاد کند تا هنرمندان بتوانند دیدگاه جامعه هنر و مخاطب عام را نسبت به این آمیزه فانتزی و تخیل تغییر دهند.

در دوره اول ۸۹۶ اثر از تولیدات یک دهه هنرمندان ایران و جهان به جشنواره ارسال شد که ۴۸۸ اثر در بخش‌های مختلف به نمایش در آمد. ما در آن دوره در جستجوی زمان‌های از دست رفته و جبران آن بودیم. دوره دوم ۵۲۰ فیلم محصول کار ۲ سال هنرمندان ایران و ۳۵ کشور جهان به دستمان رسید که ۲۸۴ فیلم در بخش‌های گوناگون به نمایش در آمد و علاوه بر افزایش کمی فیلم‌ها توانستیم در شناساندن این جشنواره به جهانیان توفیق یابیم. اما این دوره ۸۵۳ فیلم از ۵۲ کشور جهان داریم که نشانگر تثبیت جشنواره تهران در میان برگزیده‌ترین جشنواره‌های جهان است. از بین ۸۵۳ فیلم ۳۷۷ اثر در بخش‌های گوناگون به نمایش در خواهد آمد."

وزیری در پایان صحبت‌های خود ضمن اشاره به برنامه‌های جشنواره، گفت: "من از این جا آمادگی کانون را در تشویق، حمایت و همکاری با هنرمندان پویانما اعلام می‌کنم. ما تمامی سعی خود را برای ساخت سالن‌های اکران انیمیشن انجام خواهیم داد."

سپس تیزر مخصوص دوره سوم جشنواره پخش شد و فیلم پدر و دختر به کارگردانی میکائیل دودک دویت فیلم برتر دوره دوم جشنواره به نمایش در آمد.

آفرینش‌های فرهنگی هنری کانون برگزار شد. در این نشست ملک ایرج پناهی آهنگساز فیلم‌های پویانمایی هم‌زمان با نمایش ۳۳ بخش از فیلم‌های منتخب به صحبت درباره تأثیر موسیقی در آثار پویانمایی پرداخت. پناهی ضمن برشمردن ویژگی‌های خاص موسیقی فیلم‌های پویانمایی بر آموزش و کاربرد صحیح موسیقی به منظور ارتقای کیفی فیلم‌ها تأکید کرد.

او در بخشی از سخنان خود گفت: "موسیقی از تمایلات ابتدایی بشر برای بیان احساسات و

### ماورای واژه‌ها

در اولین روز جشنواره نشستی تخصصی با عنوان موسیقی و تخیل در سالن اصلی مرکز

## صدها جشنواره در جشنواره سوم

فیلم‌های حاضر در بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره سوم تا کنون حضور در جشنواره‌های جهانی بسیاری را تجربه کرده‌اند. آثاری که در این دوره از جشنواره به رقابت می‌پردازند عمدتاً منتخب جشنواره‌های سراسر جهان هستند و بعضاً جوایز بسیار معتبری را در کارنامه خود دارند. نامزدی اسکار و درخشش در جشنواره‌های با سابقه‌ای مثل انسی فرانسه، زاگرب کرواسی، هیروشیما ژاپن، لایپزیگ آلمان، انیماموندی برزیل، سین انیمای پرتغال و ده‌ها جشنواره بزرگ و کوچک دیگر در اقصی نقاط جهان بخشی از این افتخارات است، به نحوی که تنها در پرونده فیلم‌های بخش مسابقه بین‌الملل بیش از ۳۷۰ حضور در جشنواره‌های جهانی به چشم می‌خورد. این در حالی است که آثار بخش‌های غیر رقابتی جشنواره نیز از حیث حضور جشنواره‌ای، پیشینه درخشانی دارند و به ویژه در این میان، فیلم‌های حاضر در بخش جشنواره جشنواره‌ها به دلیل اعتبار جهانی و فهرست بلند بالای افتخارات خود در این بخش پذیرفته شده‌اند.

## یک شخصیت تاریخی در میان ما

بیل پلیمپتون  
فیلمساز نام‌آشنایی که  
فیلم پارکینگ را در  
بخش مسابقه بین  
الملل جشنواره دارد،  
دست به عملی زده  
است که برای نخستین  
بار در تاریخ پویانمایی  
صورت می‌پذیرد. تا



کنون سابقه نداشته است که مردم بتوانند به چشم خود جریان نقاشی شدن و شکل گرفتن یک فیلم پویانمایی را از آغاز تا انتها همراه با فیلمساز تماشا کنند و این کاری است که پلیمپتون به انجام آن مبادرت ورزیده است.

موی بلند آخرین ساخته پلیمپتون که یک فیلم بلند پویانمایی است، به کمک یک دوربین بر روی شبکه جهانی اینترنت قرار گرفته و همه علاقه‌مندان پویانمایی و شیفته‌گان آثار پلیمپتون را قادر می‌سازد به صورت زنده و با چشمان خود از ساعت ده صبح تا شش بعدازظهر جزئیات پدید آمدن این فیلم را مشاهده کنند و در جریان روند تولید آن قرار گیرند.

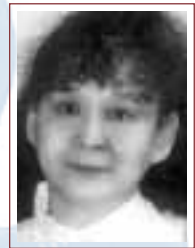
گفتنی است فیلم پارکینگ ساعت ۷ بعدازظهر روز چهارشنبه هفتم اسفند ماه در سالن اصلی جشنواره به نمایش در خواهد آمد.

آن چه می‌خوانید متن کامل پیام دو تن دیگر از شخصیت‌های بین‌المللی پویانمایی جهان به جشنواره سوم است که روز گذشته انتشار آن را وعده داده بودیم:

### سایوکو کینوشیتا

#### مدیر جشنواره بین‌المللی پویانمایی هیروشیما

برگزاری سومین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران را به شما تبریک می‌گویم. در تاریخ هنرهای بصری، پویانمایی نقش عمده‌ای در توسعه رسانه‌ها بازی کرده است و امروزه با پشتیبانی نرم‌افزارهای رایانه‌ای، استفاده و تولید آثار پویانمایی روز به روز گسترش بیش‌تری می‌یابد. هم‌اکنون پویانمایی در زمینه‌های متنوعی نظیر علوم پزشکی، معماری، علوم طبیعی، صنایع گوناگونی که به زندگی روزمره و طبیعی ما مربوط می‌شوند و همچنین در عرصه تفریحاتی نظیر بازی‌های رایانه‌ای، زمینه‌های آموزشی، سینما، دربرنامه‌های تلویزیونی و در گستره هنرهای ناب مورد استفاده قرار می‌گیرد... به همین دلیل می‌توانیم بگوییم که تاثیر پویانمایی به عنوان یک رسانه، پیشرفت شگرف در همه زمینه‌ها بوده است. به عبارت دیگر، می‌دانیم که پویانمایی تاریخ کوتاهی دارد: یعنی کم‌تر از ۱۲۰ سال. از این رو، من بر این باورم که پویانمایی به عنوان یک وسیله ارتباط بصری دارای امکانات بسیار بیش‌تری است که حتی از سایر کارکردهای زبان فراتر می‌رود و این توانمندی‌ها مافوق تصور ماست. به عنوان یک هنرمند معتمد به چالش طلبیدن عرصه‌های گوناگون بیان‌های نوین باید بسیار جالب باشد، ولی در عین حال، از آن جا که پویانمایی شکلی از رسانه است، آن چه برای یک هنرمند اهمیت دارد همانا دریافت و تشخیص درست پیامی است که شما قصد داشته‌اید از طریق این رسانه منتقل کنید. به همین دلیل، حس می‌کنم یک هنرمند در زمینه پویانمایی باید بکوشد دیدگاه و بینش فلسفی‌اش را به عنوان یک عضو فعال جامعه امروزی توسعه دهد. امیدوارم این جشنواره با موفقیت و استقبال فراوان رو به رو شود.



سایوکو کینوشیتا

### برتیسلاو پویار

#### فیلمساز و انیماتور برجسته

من چندین فیلم پویانمایی جذاب ایرانی را از فیلمسازان جوان دیده‌ام. من برای این نسل امیدبخش آرزوی موفقیت در کارشان را دارم و امیدوارم در جشنواره بین‌المللی اخیر هم به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند.

باسپاس فراوان  
برتیسلاو پویار



## با عروسک‌های خمیری

از هر استان یک مربی از کانون راهی جشنواره شده است تا پس از یادگیری ساخت عروسک خمیری آموخته‌های خود را به دیگر مربیان بیاموزد. این کلاس‌ها در ادامه کارگاهی برگزار می‌شود که دو سال پیش توسط ارلینگ اریکسون از کشور سوئد در جشنواره دوم برپا گردید و در آن کار با دوربین به روش تک فریم آموزش داده شد. مدرس این کارگاه عبدالله علیمراد انیماتور مطرح ایرانی و استاد ساخت انیمیشن‌های خمیری است که امسال فیلم سپیدبالان را در جشنواره دارد.

کلاس‌ها در ایام جشنواره از ساعت ۹ صبح آغاز می‌شود و ساعت ۱۷:۳۰ پایان می‌پذیرد.

یکی از برنامه‌های جشنواره برپایی کارگاه آموزشی است. در این کارگاه به مربی‌های برگزیده استان‌های مخلف کشور ساخت عروسک خمیری آموزش داده می‌شود.

### دسترسی رایگان به چهارگوشه جهان

در ایام جشنواره پویانمایی در محل مرکز آفرینش‌های کانون کافی نت رایگان با امکانات ده کامپیوتر در اختیار عموم مراجعه‌کنندگان قرار گرفته است.

این خدمات کامپیوتری توسط شرکت سیستم‌های نوآور که کلیه امور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جشنواره را انجام می‌دهد، ارایه شده است.

# دیوار پل درینسن



مارک گلاسمن  
ترجمه: نادر افشاری

حضور پل درینسن و اثرش در جشنواره اسنال، حضوری مضاعف و برجسته است. پسری که کوه یخ را دید علاوه بر شرکت در مسابقه بین المللی، یکی از نام آشناترین فیلم های حاضر در بخش جشنواره جشنواره هاست و این دلیل ندارد جز اهمیت فیلم و جایگاه جهانی فیلمساز. از همین رو پیش از این نیز در جشنواره دوم شاهد نمایش گزیده ای از آثار درینسن بودیم. بنابراین اگر دبروز جشنواره جشنواره هارا از دست داده اید، هنوز این فرصت هست که در ساعت ۱۹ روز سه شنبه در سالن اصلی به تماشای پسری که کوه یخ را دید بنشینید.

"من در هلند تا می توانستم اسکیت بازی می کردم؛ روی دریاچه های یخ بسته، روی کانال ها و خندق ها. اغلب هنگامی که جوان بودم اسکیت بازی می کردم چون آن وقت ها زمستان ها سردتر بودند.

یا این که قبلاً آب ها بهتر یخ می بستند. ولی من همیشه خاطرات بسیاری از دوران کودکی ام دارم. این تصویر برای من بسیار زنده است."

کوره اوس در ساحل شونینگن نیز خدمات بسیاری به این سازمان ارایه کرده است. درینسن هنگامی که داشت روی فیلم های روی زمین، دریا و هوا (۱۹۸۰) کار می کرد، در یک اتاق زیر شیروانی در همان حوالی به سر می برد. در این فیلم او عکس را به وسیله دو خط عمودی و موازی به سه دنبای مختلف تقسیم کرده است که هر یک دارای خط داستان مستقلی هستند، ولی از نقاط ارتباطی بی شمار و غیر منتظره ای بهره می برند. بر صحنه های سه گانه ای که خلق می شوند، هم از لحاظ تصاویر و هم از لحاظ صدا تسلط دارد.

زیر عکس ساحل شونینگن یک عکس هوایی قرار دارد که به منظره ای از کشور هلند و سیل سال ۱۹۹۴ متصل شده است. چندین مزرعه در زیر آب قرار گرفته و از دید محو شده اند.

"من این عکس را از پیت کرون گرفتم. پیت روی فیلم مردم آب کار می کرد و این یک صحنه برجسته از آن فیلم است؛ درختچه ها جلو آمده اند و خانه ها متلاشی شده اند، به طوری که تکه تکه پاره های سقف آنها را می توان در همه جا دید. این درست مثل مردم آب است."

در کنار آن عکسی از یک چتر باز دیده می شود که روی جاده شماره A2 در حال سقوط آزاد است.

"این به طور شاخص یک تصویر هلندی است. هلندی ها مدام از آب استفاده می کنند. شما می توانید ببینید که مردم همیشه در آب هستند.

من هم به آب عشق می ورزم. شنا کردن را دوست دارم و همیشه دلم می خواهد کنار آب باشم. وقتی که هلند را ترک می کنید، آب کم تری می بینید. در مونترال یک رودخانه بزرگ وجود دارد، ولی مردم آن جا چندان داخل آب نمی روند."

آب دو جنبه دارد؛ در فیلم مردم آب همین امر باعث به وجود آمدن یک بازی بین مردم روی آب و مردم زیر آب شده است. تبلور همزمان دنیاهای مختلف و تعامل دو جانبه آنها تصویری واضح از فیلم های پل درینسن است. سطح که به وسیله یک خط موج دار تکی ایجاد شده است، برای او یک دستاویز محسوب می شود.

گذشته، حال، آینده  
یکی از تصاویر دستگیر شدن یکی از اعضای سازمان ملی فیلم

یک شیء بی قواره و غول پیکر در جاده ای شلوغ در حال حرکت است، این جاده به مرکز شهر مونترال می رسد. آن ساختمان تصویری شبیه به وزارت دارایی دارد. تابلوهای تبلیغاتی دو متری هم که تصاویری از فیلم روی آنها الصاق شده است همین ایده را جلوه گر می سازند. هیچ اشتباهی در کار نیست؛ این سازمان ملی فیلم کانادا است که در سال ۱۹۳۹ تأسیس گردیده تا "کانادا را به مردم و سایر ملت های دنیا معرفی کند."

یک تصویر بسیار بزرگ از فیلمساز نامدار تجربی نورمن مک لارن (۱۹۸۷-۱۹۱۴) را در وسط سالن آویزان کرده اند؛ او یک بخش پویانمایی را در سازمان ملی فیلم (NFB) برای فعالیت فیلمسازان پویانمایی بین المللی و کانادایی تأسیس کرد. در هر دو طرف آن سالن دراز دفترها و بخش های بی شماری وجود دارند. این سالن به راهروهای باریک تر و راه پله هایی می رسد که به گذرگاهی منتهی می شود که آتلیه های پویانمایی در قلب ساختمان سازمان ملی فیلم را در خود جای داده است. روی یکی از درها نام او روی پلاکی حک شده است: پل درینسن (Paul Driessen)

پل درینسن در سال ۱۹۴۰ در شهر نیژمگن دیده به جهان گشود. او یکی از پرکارترین و موفق ترین فیلمسازان پویانمایی جهان به شمار می آید و بیش از پنجاه جایزه بین المللی به نام او ثبت شده است. فیلم های او را می توان در ریف فیلم های طنز آمیز، شاد و در عین حال آموزنده و تجربی قرار داد. بسیاری از فیلمسازان مستقل پویانمایی و بسیاری از استودیوهای بزرگ کارتون از سبک منحصر به فرد او الهام می گیرند. پل درینسن علاوه بر سازمان ملی فیلم کانادا با شرکت تولیدی Dutch نیز به مدت سی سال همکاری داشته و موفق شده است تقریباً در هر سال یک فیلم بسازد.

اتاق کار او فقط برای یک میز و صندلی اضافه جا دارد. یکی از دیوارهای آن پر از تصاویر کوچک و نقاشی های رنگارنگ و متنوع است و در کنار آن یک قفسه قرار دارد. یک میز کار جلوی قفسه گذاشته شده است که یک جامدادی و چند پارچ شیشه ای روی آن دیده می شود که پر از ماداتهای تیز و آماده کار هستند. پشت سر او یک تابلو به دیوار زده شده است که پر از بریده های روزنامه ها، عکس ها و نقاشی ها و یادداشت هاست. در نظر اول، همه آنها مجموعه ای در هم ریخته و بی ربط از اسناد جلوه می کنند، ولی هنگامی که درست دقت کنیم می بینیم همگی پس زمینه های فیلم، انگیزه ها، منابع الهام و دلمشغولی های فیلمساز را تشکیل می دهند. چشمان ما روی دیوار سرگردان می ماند.

آب، آب، آب

بسیاری از تکه عکس ها و روزنامه ها محل زندگی او را در هلند نشان می دهند. مثل یک عکس بریده شده روزنامه که چهار اسکیت سوار را روی یک دریاچه یخ بسته نشان می دهد و یک آسیاب بادی در افق به چشم می خورد. آیا می تواند همه چیز تا حدودی هلندی تر باشد؟

پل درینسن مثل همیشه چهره ای دوستانه دارد. علی رغم دارا بودن شصت سال سن و موهای خاکستری اش صورت او کاملاً کودکانه است. او کلماتش را بسیار شمرده ادا می کند.



کانادا توسط یک سرباز هلندی در سال ۱۹۴۵ دیده می‌شود. این عکس مثل صحنه‌ای از یک فیلم بد ساخت به نظر می‌رسد ولی در واقع صحنه یک فیلم نیست. در یسن نتوانست هیچ توضیحی در مورد دلیل وجود این عکس در کارگاه‌اش ارائه کند.

"البته بخشی از عمر من در طول سال‌های جنگ گذشت. این عکس یک سرباز هلندی را نشان می‌دهد که با اسلحه‌اش ایستاده است و نیروی سازمان ملی فیلم کانادا که به اسارت درآمده یک ژاکت بلند پوشیده است. طی آن سال‌های جنگ بسیاری از والدین همواره نگران فرزندان‌شان بودند. پدر من یک سرباز نیروی ذخیره بود. هنگامی که جنوب هلند آزاد گردید، او به ارتش بریتانیا ملحق شد. این عکس درست مثل دیدن رشد یک بچه روی شما تأثیر می‌گذارد. خاطره جنگ سرشار از احساسات است. گرچه من هرگز مستقیماً آسیب ندیدم، اما وقتی از جنگ می‌گویم یا درباره آن چیزی می‌شنوم بغض در گلویم گیر می‌کند. بنابراین فکر کنم چیزهای بیش تری درباره آن می‌توان گفت. این عکس بسیار عجیب است؛ در آن نوعی طنز وجود دارد، ولی گذشته را به خاطر ما می‌آورد." در فیلم‌های در یسن هیچ گونه خاطره شخصی یا اشاره به حوادث جهانی دیده نمی‌شود. آثار راستین او هرگز دارای زمان ملموسی نیستند. هنگامی که او در فیلم‌هایش به تاریخ اشاره می‌کند، در واقع به نمادی از تاریخ گذشته اشاره کرده است.

"فیلم کشتی نوح، تفتیش عقاید یا غرق شدن تایتانیک حوادث ملموسی برای مردم امروزی نیستند. من به حوادث و امورات جاری هیچ علاقه‌ای ندارم. بنابراین اصلاً روزنامه نمی‌خوانم. من به ندرت به اخبار گوش می‌دهم و خودم را زیاد درگیر آن نمی‌کنم. من همیشه همین‌طور هستم. می‌توانید این مسأله را در فیلم‌هایم ببینید. در فیلم‌های من تخیل قوی‌تر از واقعیت است. من از عنصر سیل هرگز این‌گونه استفاده نمی‌کنم که یک سیل خاص در یک زمان خاص را نشان دهد. این عکس فقط تصویری را به من نشان می‌دهد که بتوانم درباره آن فیلم بسازم. این سیل در هیچ زمانی اتفاق نیفتاده است."

پس در یسن مسلماً فیلم‌هایی درباره موضوعات اجتماعی و اقتصادی نمی‌سازد. می‌توان گفت که او با قوانین خودش در دنیای خودش غرق می‌شود. "شاید به این دلیل باشد که من در یک دنیای تخیلی بزرگ شده‌ام که بسیار زنده است."

در یسن سال‌های پس از جنگ را برای ما تعبیر و تفسیر می‌کند. یعنی زمانی که به همراه پدرش که کاردار سفارت هلند در مسکو بود، در سفارت هلند زندگی می‌کرد. او هرگز به یک مدرسه واقعی نرفت. مادرش به او درس می‌داد. مداد، کاغذ و تخیل تنها مجرای فرار او از آن شکنجه‌ای بودند که با دیوارهای سفارت همراه شده بود. کارهای منحصر به فرد وی پروای او از همین جاریشه می‌گیرند.

### سیاه و سفید

نقاشی‌ها، حکاکی‌ها و کنده کاری‌های روی چوب هم روی تابلوهای دیواری دیده می‌شوند که به وسیله سبک گرافیکی شان از هم دیگر متمایز شده‌اند. آنها این ویژگی در یسن را افشا می‌کنند که تصاویر سیاه و سفید را همیشه ترجیح می‌دهد و همین ویژگی در فیلم در جستجوی گاو به وضوح مشاهده می‌شود. رنگ و سایه‌های خاکستری اصلاً در فیلم‌هایش وجود ندارند.

«همیشه این فکر ذهن مرا به خود مشغول کرده است که مردم چگونه روی چوب و فلزات حکاکی می‌کنند. من به این مسأله بسیار

می‌اندیشم، حتی بیش تر از قبل. در آخرین فیلم من دو بخش وجود دارد. در پسری که کوه یخ را دید تنها چیزی که وجود ندارد واقعیت است. من از سایه‌های نیمه شفاف کامپیوتری برای آن استفاده کرده‌ام. قبلاً این کار را هرگز نکرده‌ام. سایه‌ها در بخش سمت راست که تخیل است نقش عمده‌ای دارند. همچنین برای تمایز قابل شدن بین دو طرف یعنی واقعیت و خیال از سایه بهره‌های و افری برده‌ام. همیشه برایم جالب بوده بدانم که مردم چگونه بین این دو فرق می‌گذارند و به چه نتایجی دست می‌یابند.

البته استفاده از سایه جالب است، ولی در فیلم پویانمایی کار بسیار وقت‌گیری است. بنابراین مجبورید ببینید که به چه نتایجی می‌رسید."

کارتون‌های سیاه و سفید بسیاری وجود دارند که گری لارسون هم یکی از آنهاست. این کارتون داستان سه پیرمرد است که روی یک صندلی مقابل کارتونیست‌ها نشسته‌اند. مسلماً آنها لاف می‌زنند، زیرا یکی از آنها دست‌هایش را باز کرده و می‌گوید: "آره؟ یک بار من دماغی کشیدم که به این بزرگی بود!" هنگامی که لارسون را پیدا کردم با خودم اندیشیدم که این راه صحیح است. مرد نیویورکی، مسابقه در پاریس و سنجاق قلبی پیر از کارتون‌های مفیدی هستند که واقعیت‌های دهه پنجاه را به دهه شصت پیوند می‌زنند. من بیست ساله بودم و می‌خواستم کارتون‌هایی بکشم. ولی برایم بسیار سخت بود. شما در این مواقع مجبورید به بسیاری از نقاشی‌ها فکر کنید و آنها را برای افراد حرفه‌ای بفرستید. من هم همین کار را کردم، ولی قدری خجالتی بودم. من نمی‌توانستم آنها را بفروشم. شاید هنوز نقاشی‌ام آنقدرها خوب نشده بود."

### ساختارها

یک عکس روزنامه پر میر از دعاهایتان را بشمرید آمستردام تونیلگر و پ در کنار طرح‌هایی از پایان دنیا در چهار فصل (۱۹۹۵) آویخته شده‌اند. شباهت آنها بسیار زیاد است. صحنه دعاهایتان را بشمرید با استفاده از یک چهارچوب به جدول‌هایی تقسیم شده است.

هنگامی که این صحنه را دیدم بسیار شفته آن شدم. در آن هنگام پایان دنیا در چهار فصل نزدیک به اتمام بود. به نظر من اگر بتوانید چیز مخصوصی خلق کنید، دنیای نمایش بسیار جذاب می‌شود. فکر می‌کنم کاری که من در فیلم‌هایم می‌کنم بسیار شگفت‌آور است، زیرا زمان و مکان را روی صحنه به بازی می‌گیرم. شما می‌توانید همزمان هم پیر و هم جوان باشید و یا در صحنه‌های دیگر که حالت‌های دیگری هم به نمایش در می‌آید. اگر بخواهم صادق باشم، باید اعتراف کنم که نمی‌دانم با آن چکار کردند، زیرا مراحل تولید آن را ندیدم."

ساختمان تقریباً در همه فیلم‌های پل در یسن وجود دارد. این امر دنیاهای متفاوت را یکپارچه می‌کند و سپس آنها را به بازی می‌گیرد. این مسأله در فیلم در روی زمین، در دریا و در هوا کاملاً مشهود است. آخرین فیلم او، پسری که کوه یخ را دید دو دنیا را کاملاً با یکدیگر در هم می‌آمیزد. با این حال هیچ فیلمی مثل پایان دنیا در چهار فصل نیست. در این جا او هشت صحنه مجزا را به نمایش می‌گذارد که هر یک دارای وزن و پویایی مختص به خود است.

"من اغلب ساختارهای پیچیده‌ای را در فیلم‌هایم خلق می‌کنم، ولی به محض این که فرد دیگری این کار را صورت می‌دهد، من این کار را رها می‌کنم. هنگامی که یک فیلم کاملاً پیچیده می‌بینم، دیانه (Diane) مجبور است به من توضیح دهد که آن فیلم درباره چیست و من دارم به چه جور چیزی نگاه می‌کنم. حافظه بصری من بسیار بد است، به همین دلیل شخصیت‌ها را قاطی می‌کنم. در واقع همیشه با ساختارهای پیچیده مشکل دارم، مگر در مواردی که خودم آن را ساخته باشم."

شاید دیوار او همراه با گیره‌های کاغذ، عکس‌ها، نقاشی‌ها و یادداشت‌هایش پیچیده‌ترین ساختار باشد؛ گرچه هدف وی چنین نبوده است. این‌ها مثل فیلم‌های پل در یسن هستند که اگر به دقت نگاه کنی باز هم زیاد نمی‌فهمی. می‌توانی سحر و جادو را تجربه کنی و بگذاری قواعد بازی به حال خود باشند. در یسن به دیوار پشت می‌کند، نوک مدادش را به دقت مورد واری قرار می‌دهد و با اعتماد به نفس آن را روی کاغذی که در جلویش قرار دارد، می‌گذارد.



## استحاله نگاهی به فیلم ضد نور

احمد بشیری راد

مضمون فیلم در حالت اولیه، گناه، بازگشت آن و عذاب وجدان است و همان طور که از نام فیلم پیداست، روایتی است از انسانی که ضد نور رفتار می کند. نوری که نماد روشنی و پاکی و میرا بودن از گناه است. در آغاز درخشان فیلم انسان اولیه با هیبتی ترسناک از غاری که مأمن اوست بیرون می آید و با حیوانی به جنگ می پردازد. حیوان در یک استحاله عجیب تبدیل به یک موتورسیکلت (مرکب مدرن شده) و یرانگر می شود و انسان، مغز متفکر و هدایت کننده این مرکب و یرانگر به جولان دادن در کوچه پس کوچه های قدیمی شهر می پردازد و پیرزنی و گربه ای را زیر می گیرد. دندان های مصنوعی پیرزن و سر گربه، به نمایان ترین قسمت وجود او - صورت - می چسبند. او صورتش را می شوید اما نشانه های گناه دیگر جزئی از وجود او شده اند که خلاصی از آنان کاری ناممکن می نماید. او خنده های مستانه سر می دهد و باز بی خیال شروع به یکه تازی می کند و حتی در اتاق کوچک خود نیز می راند. (تحرک مداوم یکی از ویژگی های جالب این فیلم است.) از قطار هم پیشی می گیرد و در نهایت توسط کسی مانند خودش نابود می شود.

انسان بی رحم مدرن در کوچه های سنت می تازد و نابود می کند و نابود می شود. اما دیدن این فیلم چیزهای دیگری را هم در ذهن متبادر می کند. در جنگ آغاز فیلم که حیوان قسمتی از وجود یرانگر انسان می گردد، جمله جاودانه نیچه به یاد می آید: "آنهايي که با غول ها می جنگند باید مواظب باشند که خود به غول تبدیل نگردند" و استحاله حیوان به موتورسیکلت یادآور آن دیزالو جادویی ۲۰۰۱ - ادیسه فضایی شاهکار استتلی کوبریک هم هست که در آن فیلم هم سیر رو به تکامل کشف و اختراع در نهایت رو به هیچ می رود. البته منظور مقایسه این دو فیلم نیست.

به آغاز خط بازمی گردیم؛ گناه، بازگشت آن و عذاب وجدان؛ وجدانی که اگر بیدار هم باشد برای انسان ضد نور تبدیل به عاملی برای خنده و تمسخر می گردد. انسان ضد نور را از بار سنگین گناهان خلاصی نیست. او تنهاست با گناهانش و باز هم بی خیال موها را شانه می کند و هنوز از دیدن صورت خویش در آینه لذت می برد.

هنوز هم در محافل و جشنواره ها کارهایی از این دست را تجربی خطاب کردن موجب نگرانی و وهن بر سینمایی است که تجربی نام گرفته است. تجربه کردن اصولاً معنایی مسبوق به سابقه نیست و در سینما و تمام مديوم های شناخته شده هنری تعریفی که از آن می شود بیش از هر چیز گسترش و ابداع زبان خاص آن هنر است. به عبارت ساده تر آن چه در مضمون و محتوای فیلم ها رخ می دهد نسبتی ناچیز یا غیر ممکن با تجربه دارد و تجربه ماهیتاً شکل گرا و بدعت گراست.

متأسفانه نعل وارونه زدن رسم روزگار شده و هنوز هم هیات های انتخاب و داوری به فیلم هایی که فاقد اصالت گفته شده اند، به صرف فاصله گرفتن از کلاسیک های به شدت تثبیت شده تجربی می گویند.

و این در سینمایی که امکانات بی نظیری هنوز برای تجربه و گسترش زبان دارد خطرناک است. در گستره تجربه گرایی در فیلم های انیمیشن مصالح و مواد آن قدر زیاد است که فهرست عظیمی را شامل می شود؛ استفاده از شیشه و سنگ، ماسه و سوزن، پارچه، نخ، انواع عروسک ها، فلزها، خمیر، آب، فضاهای میان تهی، لکه های نور، مصنوعات نفتی و... همه این ها در فیلم های پرشماری توسط انیماتورهای خلاق آزموده شده و به نظر می آید در دهه اخیر چیز تازه ای جز گسترش روز افزون کامپیوتر انیمیشن دیده نمی شود که خود البته همه این مصالح را به بهترین شکل در اختیار گرفته است. تکرار تکنیک هایی که در گذشته ابداع شده بیانگر چیست؟

پایان عصر تجربه یا آغاز دورانی که همه چیز را امکانی بالقوه برای تجربه می بیند.

تجربه احساس مهمی است، حسی که بزرگ ترین دستمایه آن مصرف کردن نیست. به تحقیق می توان گفت هیچ گونه سینمایی مانند فیلم های انیمیشن در طول پیدایش سینما واجد خصلت تجربی نبوده است؛ تنوع سبک ها و روش هایی که توسط فیلمسازان انیمیشن در پنج دهه به وجود آمد (دهه سی تا هفتاد میلادی) به مراتب بیش تر از تمام شیوه ها و ژانرهای ثبت شده در سینمای داستانگو و مستند است.

سینمای انیمیشن از لحظه پیدایش قرین تجربه بوده است. در آغازین سال های قرن بیستم یعنی ۱۹۰۴ بود که امیل کوهل انیماتور نامدار فرانسوی خطوطی را با گچ بر تخته سیاه کشید و از آنها تصاویری تک کادر در حین طراحی و پاک کردن گرفت. سینمایی که از ابتدا عناصر پیرامونش را موضوع یا امکانی برای پرداختن یافت در ادامه نیز فرازهای شورانگیزی از تجربه های غریب و ناب بصری را پشت سر گذاشته است. فراموش نکنیم تنها یک نفر (نورمن مک لارن) به تهنایی به اندازه نیمی از تاریخ سینما در طول عمر پربارش دست به ابداع و تجربه زد؛ طراحی مستقیم به روی نوار سلولوئید، نوشتن اطلاعات صوتی و موسیقی بر حاشیه فیلم بدون دخالت های رایج لابراتواری و... خلق شیوه پرطرفدار و جادویی پیکسلیشن (جان بخشی به اشیا و موجودات زنده) به کارگیری گرافیک انتزاعی و... از بدعت های ماندگار و هزاران بار آزموده تاریخ سینمای انیمیشن شده است. این تجربیات امروزه از فرط تکرار بدل به ترم های آکادمیک و مبانی آموزشی شده اند و دیگر اطلاق عنوان تجربی بر آنها به شوخی می ماند!

## تقابل محتوم

نگاهی به فیلم پنجاه درصد خاکستری



این فیلم سه دقیقه ای فول کامپیوتر انیمیشن محصول کشور ایرلند به کارگردانی روآیری روبینسون با نمایی غافلگیرکننده آغاز می شود. در فضایی ژرف و تهی و فاقد رنگ، چهره مسخ شده مردی مشاهده می شود که لباسی شبیه فضانوردان به تن دارد. به این ترتیب خود را در سیاره ای مجازی می بینیم؛ سیاره ای که کنایه از آینده تکنیک سالار جهان دارد.

شخصیت اصلی فیلم در مواجهه با تلویزیونی که نماد دنیای مجازی است به تقابلی محتوم و بی انجام کشیده می شود که در آن حتی مرگ (انتحار) نیز گریزی از موقعیت گرفتار آمده در آن نیست. فیلم با تمی صریح و بدبینانه نسبت به تکنولوژی و آینده قهرمانش را نظیر شخصیت های داستان های اساطیری مقهور نیروهایی مخرب می داند که خود در به وجود آوردن و تداوم آن سهم داشته و تاوان آن را در گرفتاری ابدی میان تکنولوژی باید پردازد.

سه شنبه یازدهم فوریه سال ۲۰۰۳ نامزدهای کسب جایزه بهترین انیمیشن بلند در سال گذشته برای انتخاب در هفتاد و پنجمین مراسم اسکار اعلام شدند. امسال دومین دوره‌ای است که فیلم‌های انیمیشن به طور مستقل و در گروهی مجزا ارزیابی می‌شوند و برای کسب این عنوان به رقابت می‌پردازند.

پیش از این، برگزارکنندگان مراسم اسکار تنها در بخش فیلم‌های کوتاه انیمیشن به این انتخاب دست می‌زدند و فیلم‌های بلند انیمیشن در کنار سایر فیلم‌های زنده قرار داشتند. این تقسیم‌بندی باعث می‌شد که فیلم‌های بلند انیمیشن تنها به جوایزی در بخش‌های موسیقی متن و یا صداگذاری بسنده کنند (طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ فیلم‌های انیمیشن تولید شده توسط کمپانی دیزنی همه ساله جوایز بهترین موسیقی متن را از آن خود کرده‌اند). در این میان جدا از سفید برفی و هفت کوتوله که یک اسکار افتخاری نصیب شد، تنها دیو و دلبر توانست تا کسب نامزدی عنوان بهترین فیلم پیش رود.

در سال ۲۰۰۱، کمی پس از اکران موفقیت‌آمیز شرک (Shrek)، هیأت برگزاری مراسم اسکار رسماً اعلام کرد که از این پس فیلم‌های بلند انیمیشن را به طور مستقل و در گروهی مجزا داوری خواهد کرد. از میان نه فیلم فرستاده شده، سه فیلم به عنوان نامزدهای کسب عنوان بهترین فیلم انیمیشن بلند برگزیده شدند. جیمی نوترون: پسر نابغه (Jimmy Neutron: Boy Genius)، شرکت هیولاها (Monsters Inc.) و شرک که نهایتاً این جایزه را از آن خود کرد، شرکت کنندگان در اولین دوره این مبارزه بودند.

یک ماه بعد مجله Animation Magazine در یک نظرسنجی، نحوه قضاوت داوران مراسم اسکار را به بحث گذاشت. نتیجه نشان می‌داد بیش از ۷۵٪ از شرکت کنندگان در این نظرسنجی که عموماً از دست اندرکاران صنعت انیمیشن بودند، دیدگاهی کاملاً متفاوت با داوران داشته‌اند. این عده فیلم شرکت هیولاها را لایق دریافت جایزه می‌دانستند. پس از آن Animation World News و سپس دیگر مجلات، روزنامه‌ها، انجمن‌ها و سایت‌های مرتبط با انیمیشن دست به چنین کاری زدند و همگی به نتایجی مشابه دست یافتند. بدین ترتیب، نتیجه آرای داوران مراسم اسکار در اولین انتخاب خود، نظرات مخالف بسیاری را به همراه داشت، به طوری که این نظریه قدیمی که اسکار مکانی است برای فیلم‌هایی با تولیدات عظیم و عمدتاً تجاری، بیش از پیش تقویت می‌شد. هر چند که شرکت هیولاها در بازار فروش نیز موفق‌تر از شرک عمل کرده بود.

با این وجود، رقابت برای کسب اسکار بهترین فیلم انیمیشن بلند در سال ۲۰۰۳ کمی متفاوت از دوره پیش به نظر می‌رسد. امسال از میان یازده فیلم شرکت کننده، پنج فیلم برای کسب این عنوان انتخاب شده‌اند که در این میان سهم کمپانی دیزنی سه فیلم (Treasure Planet, Lilo and Stitch, Spirited Away) و کمپانی‌های دریم ورکس (Spirit: Stallion of Cimarron) و فوکس قرن بیستم (Ice Age) هر کدام یک فیلم خواهد بود. اما علت اصلی تفاوت این دوره با دوره پیش، حضور قدرتمند یک انیماتور و کارگردان غیر آمریکایی در رأس این پنج فیلم است. هایتاو میازاکی کارگردان مشهور ژاپنی، امسال با فیلم شهر اشباح در مراسم اسکار حضور چشمگیر خواهد داشت. این فیلم در استودیوی Ghibli و در کشور ژاپن تولید و سپس توسط کمپانی دیزنی و تحت نظارت مستقیم جان لستر (کارگردان فیلم‌های داستان اسباب بازی ۱ و ۲ و همچنین فیلم زندگی یک حشره) به زبان انگلیسی برگردانده شده است و پخش جهانی آن را نیز دیزنی به عهده خواهد داشت.

اگر چه اسکار کم‌تر روی خوش به فیلم‌های خارجی نشان داده است، اما این بار اوضاع کمی متفاوت است. عناوین بهترین فیلم انیمیشن از نظر انجمن منتقدان لس آنجلس، انجمن منتقدان نیویورک، انجمن منتقدان فلوریدا، انجمن منتقدان بوستن، جامعه منتقدان بروکست فیلم و جوایزی از قبیل بهترین فیلم از جشنواره آبی و خرس طلایی جشنواره برلین از جمله افتخاراتی است که شهر اشباح تا کنون کسب کرده است و به همین دلیل این فیلم از هم اکنون بخت اول اسکار نیز به شمار می‌آید.

باید امیدوار بود تا شاید این بار این سنت شکسته شود و فیلمی جایزه اسکار بهترین انیمیشن را از آن خود کند که نه تنها هیچ یک از مشخصه‌های هالیوودی و اسکار پسند را ندارد، بلکه تولید یک استودیوی آمریکایی نیز نیست و تنها با اتکا به داستان، تکنیک و ارزش‌های ساختاری خود شایسته کسب این عنوان است.

آوازهای شگفت‌انگیز گذشته عنوان فیلم بلندی که ساعت ۲۳ امشب در سالن اصلی جشنواره به نمایش درمی‌آید. این فیلم ۹۶ دقیقه‌ای محصول مجارستان و از ساخته‌های فیلمساز نام‌آشنای این کشور مارسل یانکوویچ است. یانکوویچ یکی از مدیران ارشد استودیوی پویانمایی پانونیا محسوب می‌شود که به دلیل فعالیت دیرینه و درخشانش در میان



استودیوهای اروپای شرقی جایگاه مهمی دارد. به همین دلیل نیز در اولین دوره جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران مروری بر تولیدات این استودیو صورت پذیرفت.

مارسل یانکوویچ علاوه بر سمت‌های فراوان اجرایی و آموزشی در زمینه انیمیشن، یک فیلمساز برجسته نیز هست و به سبب آثارش توفیق در جشنواره‌ها و مجامع جهانی بسیاری را تجربه کرده است.

اما آن چه نمایش فیلم آوازهای شگفت‌انگیز گذشته را جلوه بیش تری می‌بخشد حضور کارگردان برجسته آن در جمع علاقه‌مندان هنر پویانمایی ایران است. از آن جا که یانکوویچ به عنوان داور بخش مسابقه بین‌الملل میهمان جشنواره سوم است، فرصت مغتنمی برای او و تماشاگران ایرانی است تا تبادلی توأمان در زمینه بازخورد نمایش و دیدگاه‌های فیلمساز صورت گیرد.

## سومین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران

- صاحب امتیاز: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- به کوشش: مهدی فرودگاهی
- همکاران: نادر افشاری، مریم فرودگاهی، نغمه دانش، لیلی ثابتی، روبرت صافاریان
- بخش انگلیسی: امید نیک فرجام
- ویرایش و نمونه خوانی: مینا فرودگاهی
- گرافیک: علیرضا کاشی
- حروفچینی: مریم قربانی نیا
- لیتوگرافی و چاپ: کانونچاپ
- نشانی الکترونیکی نشریه:

newsletter@tehran-animafest.com



## WAX DOLLS WORKSHOP

One of the programs in this year's TIAF is the wax dolls workshop for the Kanoon's instructors from around Iran. This workshop is a continuation of the one for single frame cameras held and taught in the 2<sup>nd</sup> festival by Erling Ericsson from Sweden. The workshop held each day from 9 AM to 17.30 PM, local time, is supervised by Abdollah Alimorad, the prominent Iranian animator and an expert in wax animation who is also present in the 3<sup>rd</sup> TIAF with *The White-winged*.

## 3<sup>rd</sup> TIAF OPENED



The 3<sup>rd</sup> Tehran International Animation Festival was opened yesterday morning, 23 Feb. 2003 in the Kanoon's Center Hall. Seyyed Hossein Vaziri, the festival director, welcoming the artists and the audience, said, "In the current century, the world is undergoing crucial changes, and in the midst of this wholesome change the artists and thinkers are struggling with the aid of the divine wings of art and reason to guide the wandering man toward illumination and salvation. We founded this festival to create the right atmosphere for the artists to be able to change the public attitude toward the art of animation, the combination of fantasy and imagination.

"In contrast to the 1<sup>st</sup> edition of the festival where we tried to compensate for the time lost, we got the opportunity in its 2<sup>nd</sup> edition to screen 284 films from Iran and 35 other countries in different sections and introduce TIAF to the world. And in the present edition we have received 853 films from 52 countries that is a sign of the high status of this festival in the world. On the whole, 377 films will be screened in this year's festival." Having introduced the programs of this year's festival, Vaziri emphasized that the Kanoon was ready to cooperate with and support the animator artists, and would try to prepare proper movie-theaters for animated works.

The opening ceremony of the 3<sup>rd</sup> TIAF ended with the screening of *Father & Daughter*, the best film in the previous edition of the festival.

### Watch Again!

In the 3<sup>rd</sup> Festival, it has been arranged for the audience to watch their selected films again at a special screening session. The most popular films will be selected through a poll and will be shown once more in the final day of the Festival. If anywhere in the program of the Festival the heading "selected by audience" catches your eye, do not hesitate to attend the screening; these are films that have succeeded to attract a large number of people.



24 Feb, 2003

## A World-famous Figure in the Third Festival

Bill Plimpton, world-famous animation filmmaker, who is represented in the International Competition section of the Festival with his film *Parking*, has recently ventured an interesting experience. For the first time in the history of animation, the public will now be able to watch an entire animated feature, *Hair High*, being drawn before their eyes, live on the internet.

*Hair High* is Plimpton's latest project. The live video of Plimpton at work is put on-line everyday between 10 am and 6 PM. This makes it possible for his fans -- and anybody else -- to watch the details of the production and creation of a work of art with their own eyes.

*Parking* will be shown on Thursday, February ---, at 7 PM, at the main hall of the Festival. Do not miss it!

## 400-million-dollar Filmmaker at Festival

In the 3<sup>rd</sup> Tehran International Film Festival, two of the films made by the candidate of Academy Award for Best Feature Animation in 2003 will be exhibited. Japanese animation director Hayao Miyazaki's *Spirited Away* is on the list of candidates for 75th round of Academy Awards (Oscars). This film is present in the International Competition of our Festival. Grossing 200 million dollars in Japan and winning several international prizes, *Spirited Away* is among the most discussed animation films in world media. It broke the 163-million-dollar record of *Prince Mononoke* as the most popular Japanese film and sold more than even *Titanic* in Japanese market.

Both *Spirited Away* and *Prince Mononoke* are due to be screened in 3<sup>rd</sup> Tehran International Film Festival.